

زمان در آخرت

از منظر صدر المتألهین

فروغ السادات رحیم‌پور،* دانشیار فلسفه و کلام اسلامی دانشگاه اصفهان
هادی جعفری،** دانشجوی دکتری حکمت متعالیه دانشگاه اصفهان

چکیده

توجه به ویژگیهای جهان آخرت و مقایسه آن با شرایط دنیوی، در بسیاری از آثار ملاصدرا مشاهده میشود و «زمان» یکی از آن ویژگیهاست. با این پیشفرض پذیرفته شده در حکمت متعالیه که معاد جسمانی و وجود جسم اخروی امری ضروری است، این پرسش مطرح میشود که آیا در آخرت نیز زمان وجود دارد؟ و در صورتیکه پاسخ مثبت باشد، کم و کیف آن و تفاوت و شباهتش با زمان دنیوی چیست؟ مقاله حاضر درصدد پاسخ دادن به چنین پرسشهایی درباره زمان است و به این نتیجه رسیده که لازمه اعتقاد به معاد جسمانی، وجود نحوه‌یی از زمان است که متناسب با عالم آخرت و وجود جسمانی آخرتی باشد. این نحوه از وجود زمان، مرتبه‌یی کاملتر و شدیدتر از وجود دنیوی زمان دارد و از ویژگیهای مرتبه آخرتی، همچون نسبی بودن احساس گذر زمان، تأثیرگذاری میزان و مرتبه تجرد افراد در کندی یا سرعت سپری شدن وقت رخدادهای اخروی، و تناسب ادراک گذر زمان با غلبه وجهه ملکی یا ملکوتی بر هر فرد (در طول حیات دنیوی) را برخوردار است.

مقدمه

مباحث مربوط به جسم و لوازم جسمانی، از موضوعات مورد توجه فیلسوفان اسلامی است. در آثار این متفکران بحثهای مستوفایی درباره ماهیت و حقیقت جسم انجام شده و ویژگیهای موجود جسمانی - نظیر زمان، حرکت، سکون، مکان، خلاء، تناهی و لاتناهی، و... - بررسی شده است. مطابق آموزه‌های ادیان الهی، تحقق جسم و جسمانیت منحصر به این دنیا نیست. بعنوان مثال، در برخی آیات قرآن و احادیث معصومین بر معاد جسمانی تأکید شده، تا آنجا که اعتقاد به وقوع این نحوه از معاد، جزو ضروریات اعتقادی شمرده شده است. یکی از پرسشهای مهمی که پس از پذیرش معاد جسمانی مطرح میشود، اینست که آیا حقیقت جسم بودن در عوالم مختلف محفوظ است ولی ظهور جسم و لوازم آن مناسب هر مرتبه وجودی است؟ یا در این کاربردها، جسم مشترک لفظی است و جسم در هر کدام از این عوالم، امری است کاملاً متفاوت با دیگری، با لوازم و آثاری خاص خود؟ بتعبیر دیگر،

کلیدواژگان

زمان
جسم اخروی
آخرت
معاد جسمانی
برزخ

(نویسنده مسئول) Email: Fr.rahimpoor@gmail.com*

Email: amin.ja8913@yahoo.com**

تاریخ دریافت: ۹۶/۱۰/۲ تاریخ تأیید: ۹۷/۴/۱۲

پرسش اینست که اگر جسم در آخرت متناسب با آن عالم تحقق پیدا کند، آیا لوازم و آثار جسم که در عالم ماده تحقق می‌یافت نیز بنحو متناسب، به همراه آن جسم تحقق می‌یابد؟ اگر پاسخ این پرسش منفی باشد باید روشن شود که آیا جسم (یا هر موجودی) میتواند بدون لوازم و آثارش تحقق یابد و همچنان حقیقتاً موسوم به همان اسم باشد؟ و اگر پاسخ مثبت باشد باید روشن شود که کدامیک از لوازم و آثار در جسم اخروی محفوظ مانده و تغییری که بسبب تغییر مرتبه و نشئه وجودی در آن رخ داده، چیست؟

ضرورت پژوهش درباره چنین مسائلی با توجه به جایگاه معاد جسمانی در اعتقادات ادیان ابراهیمی روشن است. متفکران مسلمان نیز به همین سبب همواره در صدد یافتن پاسخهایی بهتر و روشنتر در این موارد بوده‌اند. ملاصدرا از معدود فیلسوفانی است که به اثبات عقلانی و برهانی معاد جسمانی اهتمام داشته و تلاش کرده اصول و مبانی فلسفی اثبات معاد جسمانی مورد نظر شرایع را فراهم نماید. به همین سبب آشنایی با دیدگاه او و تحقیق درباره موضعش در باب امور مرتبط با جسم اخروی، امری شایسته است. این مقاله در راستای همین ضرورت پژوهشی، دیدگاه ملاصدرا درباره یکی از مهمترین لوازم جسم، یعنی زمان در عالم آخرت را بررسی کرده و تلاش میکند به برخی پرسشها در اینباره پاسخ دهد.

تعریف و چستی زمان

مطابق تعریف ابن سینا، جسم جوهری است که بتوان در آن سه خط متقاطع فرض کرد، یعنی دارای طول، عرض و ارتفاع باشد. حرکت نیز بمعنای

تبدل و تغییر حالت قار و ثابت جسم بصورت تدریجی برای رسیدن به جایی یا چیزی، آمده است.^۱ این تعریف از حرکت مورد تأیید صدرالمآلهین نیز هست و در شرح آن نوشته که ذکر واژه جسم در تعریف حرکت، برای احتراز از شمول تعریف بر تبدل و تغییر احوال ثابت در موجودات مجرد است.^۲

بر همین مبنا، ابن سینا زمان را به مقدار حرکت، البته نه از جهت مسافت بلکه از جهت تقدم و تأخری که قابل جمع نیستند، تعریف کرده^۳ و ملاصدرا نیز این تعریف را پذیرفته و عیناً نقل کرده است.^۴ زمان به مقدار متصل غیر قار عارض بر حرکت نیز تعریف شده است.^۵ با توجه به این تعاریف روشن میشود که جسمانیت، حرکت و زمان با هم تلازم دارند و به همین سبب است که در تعریف یکدیگر اخذ میشوند. حال آیا میتوان این ملازمه را در مورد جسم اخروی نیز جاری دانست یا در صورت پذیرش آن، محذوراتی از جمله نفی ویژگی تجرد از عالم آخرت پیش خواهد آمد؟

ذکر این نکته لازم است که مراد از آخرت در مقاله حاضر، هر دو عالم پس از دنیا، یعنی برزخ (قیامت صغرا) و قیامت (قیامت کبرا) است. نکته دیگر اینکه مقاله بر مسئله زمان تکیه دارد، اما بسبب پیوند نزدیک زمان و مکان، در برخی موارد مکان نیز از این جهت که به زمان هدایت میکند، مورد توجه بوده است.

۱. ابن سینا، الهیات از کتاب شفا، ص ۴۸.

۲. ملاصدرا، الحکمة المتعالیة فی الأسفار الأربعة، ج ۳،

ص ۳۸.

۳. ابن سینا، الاشارات والتنبیها، ج ۳، ص ۱۱۲.

۴. ملاصدرا، رساله فی الحدوث، ص ۹۵.

۵. طباطبایی، نهاية الحکمة، ص ۲۶۹.

زمان اخروی از منظر آیات و روایات

از آنجاکه مسائل مربوط به عالم آخرت نزد معتقدین به ادیان الهی، در زمره امور غیبی محسوب میشود و منبع اصلی اطلاع از آن فرموده خداوند و اولیاء الهی است و فلاسفه مسلمان، از جمله صدر المتألهین، نیز در این مباحث به آیات و روایات اتکا و استناد کرده‌اند، پیش از بررسی فلسفی موضوع، نظری اجمالی به بحث زمان از این منظر خواهیم داشت.

در قرآن کریم و همچنین روایات، داده‌های متعددی درباره کیفیت قیامت، آخرت و برزخ وجود دارد که در برخی از آنها اشاراتی به بحث زمان در عوالم پس از دنیا شده است. در این مبحث با دو مسئله اصلی روبرو هستیم: اصل وجود زمان در جهان آخرت و کیفیت آن زمان. با توجه به آیات و روایاتی که در پی می‌آید بنظر میرسد نمیتوان وجود نوعی زمانمندی در آخرت را بطور مطلق مردود دانست بلکه حتی با استناد به این آیات و روایات میتوان در مورد کیفیت یا نحوه وجود آن نیز اظهار نظر نمود.

در سوره معارج آمده است: «تعرج الملائكة والروح فی یوم کان مقداره خمسين الف سنة»^۶. در این آیه طول مدت روز قیامت پنجاه هزار سال بیان شده است، به این معنا که اگر قرار بود این امر در دنیا انجام شود، پنجاه هزار سال طول میکشید^۷. در سوره سجده نیز به روزی که به شمارش زمینی، معادل هزار سال خواهد بود اشاره شده است: «یدبر الامر من السماء الی الارض ثم یرجع الیه فی یوم کان مقداره الف سنة مما تعدون»^۸. آیات مذکور علاوه بر اینکه اصل وجود زمان در قیامت را اثبات میکنند، به تفاوت نحوه وجود و محاسبه زمان در قیامت و دنیا نیز اشاره دارند.

■ حرکت در جوهر جسم، در کنار اشتداد در مراتب وجودی آن، زمینه تحقق جسم برزخی و اخروی را فراهم میکند و باور به معاد جسمانی بر ضرورت آن تأکید مینماید. بدین ترتیب جسمی مناسب عالم آخرت فراهم می‌آید که زمان اخروی بعنوان لازمه آن، ملحوظ است.

در آیه دیگری به ارائه رزق به بهشتیان در صبح و شام اشاره شده و میگوید: «آنجا (بهشت) کلام بیهوده‌یی نمیشنوند بلکه آنچه میشنوند فقط سلام و درود است، و در آنجا صبح و شام رزقشان آماده است»^۹. آیه دیگر با اشاره به زمانی مشابه، عرضه شدن آتش به جهنمیان در صبح و شام را متذکر میشود: «النار یرضون علیها غدواً و عشیاً و یوم تقوم الساعة ادخلوا آل فرعون اشد العذاب»^{۱۰}. با ضمیمه کردن این آیات به آیه سیزدهم سوره انسان^{۱۱} که وجود خورشید و گرما و سرما را در بهشت رد میکند، میتوان دریافت که صبح و شام در بهشت وجود دارد ولی نه مطابق روندی که در دنیا مرسوم است.

در سوره بقره درباره زمان در عالم برزخ داستانی آمده است که نشان میدهد زمان برزخی با زمان دنیوی متفاوت است. این داستان درباره عزیر نبی است که برای درک نحوه معاد، به اذن خداوند

۶. معارج/ ۴.

۷. طوسی، الثبیان، ج ۱۰، ص ۱۱۵.

۸. سجده/ ۵.

۹. مریم/ ۶۲.

۱۰. غافر/ ۴۶؛ «آتش صبح و شام عرضه میشود و روزی که

قیامت برپا شود فرعونیان را در سختترین عذاب در آورید».

۱۱. «متکینن فیها علی الارائک لایرون فیها شمساً و لا زمهیراً».

میرانده و سپس دوباره زنده شد. آنگاه از وی پرسش شد که در این بین چه مدت مکث نمودی و او در جواب گفت: یک روز یا شاید پاره‌یی از یک روز؛ اما خداوند فرمود: تو یکصد سال از دنیا رفته بودی: «... لبثت یوماً او بعض یوم، بل لبثت مئة عام...»^{۱۲}. این پرسش و پاسخ روشن می‌کند که زمان به مفهومی که در نظام دنیوی مطرح است، در عالم برزخ وجود ندارد و مراد خداوند از اینکه فرمود صد سال مکث داشتی، این بوده که روشن شود مکث عزیر نبی بر اساس محاسبات زمانی دنیوی، چه مدت است. در واقع منظور آیه اینست که عوالم فوق زمان را نمیشود با مقیاسهای زمانی محاسبه نمود و فوق زمان، قابل انطباق بر زمان نیست.^{۱۳}

در روایات نیز بحث زمان در آخرت مطرح است. بعنوان مثال، در روایتی به تفاوت زمان نسبت به افراد مختلف اشاره شده و می‌گوید طول مدت ماندن و توقف در موقف قیامت برای کافران و جهنمیان پنجاه هزار است در حالیکه این مدت برای مؤمنین و بهشتیان بسیار سریع و باندازه یک نماز واجب خواهد بود.^{۱۴} در روایتی از امام صادق (ع) در تأیید این مطلب آمده است: «اگر غیر از خدا، دیگری عهده‌دار حساب در آن روز شود، پنجاه هزار سال در آن متوقف میشود تا از حسابرسی فارغ شود، ولی خداوند سبحان در یک لحظه از حساب بندگان فارغ میشود»^{۱۵}. در روایت دیگری از آن حضرت (ع) نیز آمده که روز حساب به نصف نرسیده بهشتیان به بهشت و دوزخیان به دوزخ خواهند رفت.^{۱۶}

نشانه‌های اعتقاد به زمانمندی عالم آخرت در

آثار ملاصدرا

در آثار ملاصدرا به عباراتی بر میخوریم که نشانگر

اعتقاد به وجود نوعی زمان در آخرت هستند.

۱) در الشواهد الربوبیه این پرسش را مطرح میکند که آیا سرای آخرت با وجود کثرت صور و اشکال، دارای ماده‌یی که آن صور و اشکال را قبول کند هست یا خیر؟ پاسخ او مثبت است:

انّ لتلك الصور الاخریة امراً يشبه المادة الحاملة لهذه الصور الدنیویة الا أنّها تمتاز عن هذه بانّ هذه ناقصة تحتاج الى فاعل مباین يكملها على سبيل الترتیب شيئا فشيئا لانها في عالم الحركات والاتفاقات واما تلك القوة فهی نفسانية مستكفية بذاتها و بعلمها الذاتيّة فاذا زالت عنها الصور ففی استرجاعها يكفی تذكرها من غير حاجة الى تجشّم اكتسابه من فاعل جدید و هو بخلاف هذه المواد.^{۱۷}

این عبارت در واقع اثبات نحوه‌یی جسمانیت در عالم آخرت دارد و به تفاوت ماده و قوه از جهت مرتبه در آخرت و دنیا اشاره میکند. اثبات

۱۲. بقره / ۲۵۹.

۱۳. شجاعی، معاد یا بازگشت بسوی خدا، ص ۱۴۷.

۱۴. طبرسی، مجمع البیان، ج ۹، ص ۵۱۰. در روایت وارد شده که چون آیه شریفه «تعرج الملائكة...» نازل شد، به پیامبر اکرم گفته شد: ای رسول خدا چقدر آن روز طولانی است؟ حضرت فرمودند: سوگند به آن کسی که جانم در دست اوست، آن روز برای مؤمن باندازه‌یی سبک و سریع میشود که از یک نماز واجب که در دنیا بجای می‌آورد، سبکتر و سریعتر است.

۱۵. عروسی الحویزی، تفسیر نورالثقلین، ج ۷، ص ۴۷۵.

۱۶. بحرانی، البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۸، ص ۱۱۸.

۱۷. ملاصدرا، الشواهد الربوبیة فی المناهج السلوکية، ص ۳۸۴ - ۳۸۳؛ «همانا صور اخروی شبیه ماده و حامل صور دنیوی است. تنها فرق اینست که ماده دنیوی برای تکامل خود بصورت تدریجی، نیاز به فاعل مباین دارد، اما ذات صور اخروی برای تکامل خود کافی است و نیاز به فاعل مباین نیست و اگر صور از ماده اخروی زائل شد جهت استرجاع آن صرف تذکر نفس آخرتی کافی است و نیاز به اکتساب از سوی فاعل جدید نیست.»

جسمانیت و بتبع آن، قوه و ماده، بهر نحوی از انحاء در عالم آخرت، میتواند بیانگر وجود زمان در آن عالم باشد.

۲) ملاصدرا در رساله شواهد الربوبية مینویسد: نشئه آخرت همسخن نشئه مادی نیست، لذا مکان اخروی از جنس مکانهای این دنیا نبوده و در جهتی از جهات آن هم واقع نشده است. همچنین، زمان اخروی از جنس زمانهای این دنیا نیست و در زمان آینده نسبت به این دنیا قرار ندارد، بلکه دنیا و آخرت دو جهان کاملند و چنین نیست که مکان آخرتی در مکانی از این دنیا و زمان آخرتی در راستای زمان دنیوی باشد.^{۱۸} عبارت ملاصدرا تصریح دارد که در عالم آخرت مکان و زمان وجود دارد، اما با جنسی متفاوت از زمان و مکان دنیای مادی.

۳) او در حکمة العرشية در بحث تفاوت‌های دنیا و آخرت بیان میکند که آخرت روز جمع است، زیرا زمانها و حرکات (که علت تغایر و تعاقب هستند) و جهات (که علت حضور و غیبت هستند) در آخرت مرتفع میشود.^{۱۹}

اگر عبارت پیشین ملاصدرا که اثبات نوعی زمان در آخرت بود در کنار این عبارت قرار گیرد، باید گفت منظور او از ارتفاع زمان در آخرت، ارتفاع زمان به مفهوم دنیوی آن است، نه مطلق زمانمندی، وگرنه دو عبارت قابل جمع نخواهند بود.

۴) در اسرار الآيات عبارتی آمده که ضمن تصریح به وجود زمان و مکان در آخرت، ویژگی خاص آن را نیز بیان میکند. عبارت چنین است: فليس لمكان الآخرة انقسام و انفصال و لا انصرام و زوال، و لا لزمانها تجدد و انقضاء و لا شروع و انتهاء؛ بل هذان علی هذا النحو مسلوبان هناك، لكن اذا اريد ان يخبر عنهما لاهل هذا العالم

المقيدين بسلاسل الزمان و اغلال المكان، لا يمكن ذلك الا بضرب من المثال.^{۲۰}

برخی در توضیح بخش آخر (لا يمكن ذلك الا بضرب من المثال) گفته‌اند: منظور از مثال اینست که وقتی ازکی و کجای آن عالم برای اهل دنیا سخن گفته میشود، ضرب‌المثلها و نشان دادن الگوها ضرورت پیدا میکند و در این مثالها از حداقل زمان و حداکثر وسعت مکان سخن می‌آید.^{۲۱} بنابراین هنگامی که به زمان آخرت اشاره میشود، به کمترین و کوتاهترین زمان تعبیر میشود؛ همان چیزی که «آن» نامیده میشود. آیه ۷۷ سوره نحل شاهد این مطلب است: «وما امر الساعة الا كلمح البصر أو هو اقرب»^{۲۲}.

۵) صدر المتألهين در تفسیر آیه چهارم سوره معارج، ملاک تفاوت زمان در قیامت را معلوم کرده و میگوید: عروج بسوی خداوند بر اساس مرتبه جوهری هر روح از حیث لطیف یا کدر بودن،

۱۸. همو، شواهد الربوبية، ص ۳۷۵؛ «دار الآخرة نشئه اخري ليست مشكله مع هذه الدار في مسلک واحد. فمكانها ليس من جنس امكنة هذه الدنيا و لا في جهة منها وكذا زمانها ليس من جنس هذه الازمنة و لا واقعاً منها في استقبالها بل كل من هذه الدنيا و الآخرة عالم تام».

۱۹. همو، العرشية، ص ۱۴۵؛ «ومنها ان القيامة يوم الجمع لان الازمنة والحركات علة التغاير و التعاقب في الحدوث والقدم، و الامكنة و الجهات علة الحضور و الغيبة في الوجود و العدم فاذا ارتفعا في القيامة ارتفعت الحجب بين الموجودات فيجتمع الخلايق كلهم الاوتلون و الآخرون...».

۲۰. همو، اسرار الآيات و انوار البيئات، ص ۲۹۲-۲۹۱؛ «برای مکان آخرتی انقسام، انفصال، انصرام و زوال نیست و برای زمان آخرتی نیز تجدد و انقضاء و شروع و انتها وجود ندارد. زمان و مکان با این ویژگیها در آخرت وجود ندارد، اما برای نحوه تبیین وجود آن در آخرت، به مثال متمسک میشویم».

۲۱. ابراهیمی دینانی، معاد، ص ۲۰۶.

۲۲. ملاصدرا، اسرار الآيات و انوار البيئات، ص ۲۹۲.

■ ملاصدرا ویژگی تدریج و تغییر
عالم مادی را ناشی از ضعف و
نقصان وجودی این عالم میداند.
زمان و مکان این عالم مانند سایر
پدیده‌های آن، دارای ضعف و
نقصانند و بتعبیر دیگر، در عالم
ماده وجهه ناقص زمان و مکان
بروز و ظهور می‌یابد.

متفاوت است و در مورد برخی افراد، بسیار کمتر از
زمان ذکر شده در آیه (که معادل پنجاه هزار سال
دنیوی است) خواهد بود. همچنین شدت و ضعف
توجه حق تعالی بر اساس ظهور اسماء الهی بواسطه
استعداد انسان (عروج کننده)، در سرعت یا کندی
درک زمان مؤثر است.

۶) او در تفسیر آیه پنجم سوره سجده نیز زمان را
امری مختص سیر صعودی انسان میداند و معتقد
است این سیر تارسیدن به درجه عقل اعظم ادامه
دارد و مطابق آیه طول مدت آن، معادل هزار سال
دنیوی است. روشن است که آخرت در مسیر این
سیر صعودی قرار دارد و همین امر نشان میدهد که
نحوه‌ی از زمان در آن عالم قابل تحقق است، بویژه
اینکه نزد صدرالمآلهین طول این زمان، بحسب
تفاوت جوهری انسانها (از حیث لطافت یا
فشردگی و جسامت) متغیر است. برای برخی افراد
طول مدت سیر صعودی کوتاهتر و برای برخی بلندتر
است. این امر مؤید نسبیّت زمان در مراتب عالی
سیر صعودی است.^{۲۳}

۷) ملاصدرا وجود قوه در عالم آخرت را تأیید
میکند اما میان قوه در آخرت و قوه در دنیا تفاوت‌هایی

قائل میشود، از جمله اینکه فعالیت در این عالم
شریفتراز قوه است در حالیکه قوه در آخرت شریفتر
از فعل است. بعلاوه، در این عالم قوه بسبب فعل
است ولی در آخرت فعل بسبب قوه است.^{۲۴} بنظر
میرسد سخن گفتن از قوه و فعل در عالم آخرت را
نیز میتوان یکی از شواهد بر وجود نحوه‌ی از
زمانمندی در عالم آخرت دانست.

۸) اذعان به وجود ماده آخرتی میتواند نشان
دیگری بر زمانمندی مناسب با عالم آخرت باشد.
در نگاه صدرالمآلهین ماده تکنون اجساد و تجسم
اعمال و تصور نیات در آخرت، نفس انسانی است.
نفس اگرچه صورت برای بدن عنصری است ولی
ماده صور اخروی بشمار میرود و این ویژگی نفس
با حواس آخرتی قابل درک است.^{۲۵} این عبارات نیز
نشان از آن دارد که ماده اخروی و حواس اخروی که
از لوازم جسمانیت آخرتی و بتبع آن زمان آخرتی
است، مورد تأیید ملاصدرا هستند.

خلاصه کلام اینکه در آثار ملاصدرا اموری
همچون ماده، جسم، قوه و فعل، که از مقومات و
لوازم تحقق زمان هستند، در عالم آخرت نیز وجود

۲۳. همو، تفسیر القرآن الکریم، ج ۸، ص ۶۵-۶۳.

۲۴. همو، شواهد الربوبیة، ص ۳۷۶.

۲۵. همو، العرشیة، ص ۱۷۳-۱۷۲؛ «ماده تکنون الاجسام و
تجسم الاعمال و تصور النیات فی الآخرة فلیست الا النفس
الانسانیة فکما ان الهیولی هاهنا مادة تکنون الاجسام و الصور
المقداریة و هی لا مقدار لها فی ذاتها، فکذلک النفس الآدمیة مادة
تکنون الموجودات المقذرة المصورة الاخرویة... ان الهیولی
وجودها بالقوه من کل وجه لا یحصل لها فی ذاتها الا بالصور
الجسمانیة بخلاف النفس... کانت اولاً صورة لهذا البدن
العنصری، فصارت مادة اخرویة لصور اخرویة تتحد بها ضرباً
من الاتحاد فهی صورة المادیات الدنیویة و مادة الصوریات
الاخرویة... ان النفس مادة روحانیة لطیفة لاتقبل الا صوراً لطیفة
غیبیة لاتدرک بهذه الحواس بل بحواس الآخرة...».

دارند. البته این امور در هر عالم معنایی متناسب با مرتبه وجودی مربوطه دارند و تفاوت‌های میان مرتبه دنیوی و اخروی آنها قطعی است. بنابراین میتوان نتیجه گرفت که زمانمندی نیز با نحوه و مرتبه متناسب، همچون مقومات و لوازم خود، در آخرت وجود دارد.

ویژگیهای عالم آخرت در مقایسه با دنیا و ارتباط آن با زمانبندی اخروی

برای اینکه بتوان به یک تحلیل فلسفی درباره نحوه وجود زمان در آخرت رسید، لازم است برخی ویژگیهای عالم آخرت در مقایسه با دنیا، از منظر حکمت متعالیه بیان شود.

الف) استقلال آخرت از دنیا (عدم تداخل دنیا و آخرت)

برخی معتقدند آخرت در گوشه‌یی از همین دنیا واقع شده و عالمی جدا و مستقل نیست. اما صدرالمতألهین معتقد است دنیا و آخرت هر کدام جهانی مستقل و کاملند و از این حیث وابسته و متکی به چیزی خارج از خود نیستند. ویژگیهای دنیا و آخرت سنخیتی باهم ندارند، دنیا محل تغییر و حدوث و آخرت محل ثبات و قرار است. جوهر و حقیقت دنیا سیلان و حقیقت و جوهر آخرت ثبات است. با توجه به این ویژگیهای متضاد، این دو عالم نمیتوانند به انضمام هم جهان واحدی را تشکیل دهند. البته میتوان گفت از یک جهت در کنار هم عالم واحدی را میسازند و آن اینکه آخرت باطن دنیا است و دنیا ظاهر آخرت؛ بتعبیر بهتر، یکی ظهور دیگری است.

پس تنها وحدتی که میتوان میان دنیا و آخرت

ترسیم کرد نوعی وحدت طولی است که بر اساس رابطه ظهور و بطون قابل تبیین است.^{۲۶} این رابطه طولی بر اساس تشکیک وجود که از مبانی ملاصدراست، قابل توجیه است. بر این اساس، آخرت و دنیا از جهت مرتبه وجودی باهم متفاوتند: «دنیا کون ناقص و آخرت کون تام است»^{۲۷}. البته این نکته نفی کننده رابطه تضایف میان دنیا و آخرت که ملاصدرا به آن اذعان کرده، نیست، زیرا دنیا با آخرت (با وصف کامل بودن خود) در فهم یکدیگر بهم وابسته‌اند.^{۲۸}

ب) اختصاص امکان استعدادی به عالم ماده و امکان ذاتی به آخرت

در عالم ماده برای تحول و تبدیل قوه‌یی به فعلیت، علاوه بر امکان ذاتی به امکان استعدادی نیز نیاز است، بنابراین عالم طبیعت، عالم شدن و صیوریت است. این در حالی است که در عالم آخرت که عالم مبدعات است، صرف امکان ذاتی برای تحول و تغییر کافی است و نیازی به تبدیل قوه به فعل نیست، لذا تحولات آخرتی ابداعی است.^{۲۹} عبارت دیگر، نحوه سیر بسوی مطلوب در عالم مادی با عالم آخرت متفاوت است؛ در آخرت صرف امکان ذاتی، وجود مقتضی و عدم مانع برای این سیر کافی است در حالیکه در عالم ماده، علاوه بر امکان ذاتی، امکان استعدادی و سیر از قوه به فعل نیز لازم است. لذا، در آخرت حرکت بنحو کمال بعد از کمال و در عالم ماده بنحو فعلیت بعد از قوه

۲۶. همو، المبدأ والمعاد، ج ۲، ص ۷۳۸.

۲۷. همو، اسرار الآیات و انوار البینات، ص ۲۹۱.

۲۸. همو، شواهد الربوبیة، ص ۳۷۵.

۲۹. همو، رسالة فی الحدوث، ص ۲۸.

وجود است.^{۳۰}

نمونه تحولات ابداعی در آخرت را میتوان در صور ذهنی جزئی یافت؛ با این بیان که حرکت بمعنی قبول کردن صورتهای یکی پس از دیگری و از دست دادن صورتهای قبلی و پذیرفتن صورت بعدی بنحو متصل و بتدریج، در آنها وجود ندارد. عبارت دیگر، میتوان در صورتهای موجود در ذهن که ثابت و بیتغییر و تبدل هستند، بوسیله قوه خیال تصرف نمود و در آنها تغییراتی ایجاد کرد، در عین حال، صورت قبلی در ذهن موجود است و بمحض اراده میتوان آن را نزد نفس حاضر نمود. در مقابل، در عالم ماده وقتی یک صورت از بین میرود و صورت جدیدی جایگزین آن میگردد، صورت قبلی بکلی از بین میرود، درست مانند خطکشی که اگر به دو قسمت تقسیم شود، خطکش قبلی دیگر در عالم ماده وجود ندارد. اما چنانچه این عمل در ذهن انجام شود، خطکش قبلی نیز در ذهن موجود است.

بعبارت دیگر، تحولات و تبدلات صور ذهنی از سنخ تحولات موجود در امور مادی و تبدلات انفعالی و قابل نیست، بلکه تبدل و تحول فاعلی است، به این معنا که فقط به فاعل و علت فاعلی نسبت داده میشود و چیز دیگری (مانند قابلیت مادی)، در بوجود آمدن این تحولات مؤثر نیست. حال در مقام تمثیل، با استفاده از آنچه در مورد صور ذهنی آمد، میتوان تحولات و تبدلات در آخرت را به این نحو توضیح داد: در آخرت تحول بنحو تحول فاعلی است و این معنا و مفهوم تحول تناسبی با عالم ماده ندارد، چون نیازمند ماده قابل برای صورتپذیری جدید نیست. به همین سبب است که نیازی به ترسیم زمان بمعنای موجود در

عالم مادی، نیست. پس تحولات آخرتی بمعنای انشاء جدیدی از سوی فاعل (علت فاعلی) است.^{۳۱}

ج) ثبات آخرت و بیشباتی دنیا

ملاصدرا ویژگی تدریج و تغیر عالم مادی را ناشی از ضعف و نقصان وجودی این عالم میدانند. زمان و مکان این عالم مانند سایر پدیدههای آن، دارای ضعف و نقصانند و بتعبیر دیگر، در عالم ماده وجهه ناقص زمان و مکان بروز و ظهور می یابد. زمان و مکان دنیوی همراه با غیبت و عدم حضور نسبت به ماسواست، اما آخرت بواسطه اینکه وجود کامل و قویتری نسبت به دنیای مادی دارد و از آنجاکه خالی از استعداد و قوه و تضاد و تفساد است، در مکان و زمان آن تجدد و انقضاء و احتجاب و انتها معنا ندارد. بنابراین در توجیه زمان در آخرت به کمترین حد زمان و در توجیه مکان به وسیعترین مکان استناد میشود.^{۳۲}

این بیان که در آخرت زمان بسیار سریع و مکان دارای وسعت زیادی نسبت به دنیا است، بر اساس غلبه وجهه ملکوتی بر وجهه ملکی قابل توجیه است. مطابق نظر ملاصدرا، ذات اشیاء مادی دو وجهه و دو جهت دارند: جهت متغیر و جهت ثابت. جهت ثابت که مرتبه شدید وجود شیء مادی است، از مبدأ الهی صادر شده و جهت متغیر و متجدد، مرتبه ضعیف وجود آن است و مبدأ تمامی حرکات و تغییرات مادی بشمار میرود. جهت

۳۰. همان، ص ۱۳۸.

۳۱. شجاعی، معاد یا بازگشت بسوی خدا، ج ۲، ص ۱۲۸ و

۱۳۴ با اندکی تصرف.

۳۲. ملاصدرا، مفاتیح الغیب، ج ۲، ص ۱۰۲۴.

ضعیف و متغیر ذیل جنبه قوی و ثابت است و عالم کثرت و ماده و جسم و عیان را تشکیل میدهد. جنبه ثابت، عالم ملکوت و باطن است که پیوسته با حق تعالی ارتباط دارد، بلکه ربط محض است.^{۳۳} عالم دنیا از جهت قوت وجودی بسیار سست است و ذات غیر قاری دارد و وجود هر جزئی از آن مقتضی عدم و فقدان جزء قبلی است. اما عالم آخرت دارای قوت و تمامیت وجود است و به ذات خود مستکفی است و نیازمند ماده نیست. از طرفی، چون آخرت باطن دنیا است، نوعی قبض و بسط در آن ملحوظ است. در آخرت حداقل زمان بنحو سریع و مکان با حداکثر وسعت، مورد توجه است. بنابراین، اگرچه دنیا و آخرت جسمانی هستند ولی بین آنها در نحوه وجود جسمانی تفاوت‌هایی از جهت قبض و بسط، قابل مشاهده است.^{۳۴}

د) تفاوت‌های جسم در دنیا و آخرت

چنانکه اشاره شد، ملاصدرا معتقد است زمان هر شیء مادی، بیانگر نحوه وجود آن است و از اطوار وجودش بشمار میرود. پس اصل، وجود است و زمان اصالت ندارد، لذا میتواند در مرتبه‌یی از وجود بنحوی و در مرتبه دیگر بنحو دیگر باشد، یا اساساً در یک مرتبه از وجود، زمان مطرح نباشد.

حال می‌گوییم: از یک طرف زمان با ویژگی‌هایی که برای آن ذکر شد، امری است مختص مرتبه مادی و جسمانی که از جهت موجودیت جسمانی اشیاء انتزاع میشود^{۳۵} و از طرف دیگر، هم از منظر آیات و روایات و هم از منظر حکمت متعالیه، معاد انسان جسمانی است.

جسمانی بودن معاد از منظر حکمت متعالیه به چه معنا است؟ پاسخ ملاصدرا اینست که آنچه در

آخرت محشور میشود مجموع بدن و نفس است، با همین هویت و تشخیص؛ بدن اخروی هر فرد بدن دیگری (چه عنصری، چه مثالی) غیر از این بدن نیست. اما اینهمانی بدن دنیوی و اخروی به حفظ صورت است نه ماده. بدن دنیوی ماده دنیوی عنصری دارد و بدن اخروی که حاصل حرکت جوهری همین ماده است، دارای ماده برزخی یا ماده اخروی است.^{۳۶}

روشن است که اگر جسم اخروی پذیرفته شود، باید تفاوت‌هایی با جسم دنیوی داشته باشد، زیرا اجسام دنیوی متناسب با جهان محسوس و اجسام اخروی متناسب با جهان اخروی هستند. این تفاوت‌ها بر اساس آثار ملاصدرا چنین است:

۱. در اجسام دنیوی، قوه برای نیل به فعلیت یافتن است و از اینرو مقدم بر فعل است، درحالی‌که در اجسام اخروی فعلیت مقدم بر قوه و برای نیل به قوه است. فعل در این دنیا شریفتر از قوه است و در آخرت قوه شریفتر از فعل^{۳۷}.

ملاصدرا در توضیح مطلب می‌گوید: قوه در آخرت بمعنای شدت تأثیر است و امری است ناشی از ملکات راسخه نفس که حاصل تکرار افعال در دنیا هستند. این قوه نسبت به فعل شرافت دارد، زیرا تکرار فعل وسیله‌یی برای رسیدن به همین قوه

۳۳. همو، الحکمة المتعالیة فی الأسفار الأربعة، ج ۳، ص ۱۱۳

۳۴. دینانی، معاد، ص ۲۰۶ و ۲۰۹.

۳۵. ملاصدرا، رسالة فی الحدوث، ص ۹۵.

۳۶. همو، الحکمة المتعالیة فی الأسفار الأربعة، ج ۹، ص ۲۷۵؛ «یعلم یقیناً و یحکم بانّ هذا البدن بعینه سیحشر یوم

القیامة بصورة الاجساد و ینکشف له انّ المعاد فی المعاد مجموع النفس و البدن بعینهما و شخصهما و انّ المبعوث فی القیامة هذا البدن بعینه لا بدن آخر مابین له، عنصریاً... او مثالیاً...».

۳۷. همو، مفاتیح الغیب، ج ۱، ص ۳۴۷.

(بمعنای شدت تأثیر فعل) است و میدانیم که غایت هر چیزی نسبت به خود آن چیز، شریفتر است.^{۳۸} مرحوم سبزواری نیز در توضیح مطلب مینویسد: قوه در دنیا بمعنای استعداد و در آخرت بمعنای قدرت و شدت است که از ملکاتی که در دنیای مادی در انسان راسخ شده و مبادی قوای آخرتی است، ناشی شده است. از طرفی، چون ملکات بعد از تکرار فعل در این دنیا و رسوخ آنها در نفس حاصل میشود، از این جهت قوه بعد از فعل خواهد بود.^{۳۹}

توضیح دیگر مطلب آنست که تقدیمی که در دنیا برای قوه مطرح است، تقدم زمانی است در حالیکه تقدیمی که در آخرت برای فعل مطرح است، تقدم بالطبع یا بالعلیه است.^{۴۰}

۲. اجسام این عالم بر اساس استعدادی که حامل آن هستند، قابل نفوسند و این قابل بودن بدان معناست که بر حسب استعداد خود، قبول نفس میکنند، حال آنکه در آخرت نفوس فاعل اجسام خود هستند. در عالم دنیا بدن‌ها بر حسب افزایش استعدادها به مرتبه نفوس ارتقا می‌یابند در حالیکه در آخرت بدن‌ها از نفوس (متناسب با ملکات نفسانی هر فرد) انشا میشوند.^{۴۱}

ملاصدرا در جای دیگری میگوید: صور و هیئتهای آخرتی، مانند: باغها، نهرها یا حمیم و زقوم و امثال اینها، همانند صور و اشکال دنیوی ماده‌یی دارند که حامل آن صور است، با این تفاوت که ماده دنیوی در اثر استعداد انفعالی و سبقت حرکت، متوجه صورت کمالی میشود ولی صورتهای اخروی در اثر شدت فعلیت، بصرف امکان ذاتی کمال صوری را میپذیرند، نه از جهت قوه و امکان استعدادی.^{۴۲}

۳. صور، اجرام، اشکال و هیئتهای دنیوی که از لوازم جسم عنصری هستند، ناقص و محتاج فاعل مبابنی هستند که آنها را بنحو تدریجی و در عالم حرکات و اتفاقات، ایجاد کند. اما در آخرت، اشکال و صور نیازمند فاعل مبابین و تدریج در ایجاد نیستند بلکه صرف اراده فاعل برای ایجاد و استرجاع آنها کفایت میکند.^{۴۳}

زمان نیز بعنوان یکی از لوازم جسم، بر اساس تفاوتهای میان جسم دنیوی و اخروی، در دو عالم متفاوت است. بعبارت دیگر، زمان در آخرت متناسب با ویژگیهای جسم اخروی، دارای وجودی شدیدتر و کاملتر از زمان دنیوی است. بعنوان مثال، زمان در دنیا ملازم با استعداد ماده و خروج از قوه به فعل است ولی در آخرت ملازم با امکان ذاتی و تقدم فعل بر قوه.

۴. تأثیر لطافت هیولی بر سرعت قبول صور. از نظر ملاصدرا، هرچه هیولی از حیث جوهر لطیفتر و قرب و نزدیکی آن به مرتبه تجرد و روحانیت شدیدتر باشد، صورتی که دریافت میکند شریفتر است. این لطافت جوهر باعث میشود صورت دریافتی را سریعتر و در زمانی اندک دریافت کند و انفعالش در برابر فاعل آسانتر باشد. بعنوان مثال، آب چون جوهری لطیفتر از خاک دارد، طعمها، رنگها و اشکال را سریعتر از خاک قبول می‌کند و

۳۸. همان، ج ۲، ص ۷۳۲.

۳۹. سبزواری، تعلیقه بر الشواهد الربوبیه، ص ۷۳۱.

۴۰. ابراهیمی دینانی، قواعد کلی فلسفی در فلسفه اسلامی، ج ۲، ص ۸۱۶.

۴۱. ملاصدرا، شواهد الربوبیه، ص ۳۱۸.

۴۲. همو، المبدأ والمعاد، ج ۲، ص ۷۲۹.

۴۳. همو، الشواهد الربوبیه فی المناهج السلوکیه، ص ۳۸۳ - ۳۸۴.

هوا چون لطیفتر از خاک و آب است، بوها و صوتها را راحتتر از آن دو قبول میکند. بهمین ترتیب، نفس انسان نیز بسبب تفاوت در لطافت قوا، قادر است در قوه متخیله خود اموری را حاضر کند که نمیتواند آنها را در حواس ظاهر حاضر نماید. نفس هر چه مشغول به حواس بدنی و دنیایی باشد، از مشاهده صور باطنی محرومتر و هر چه از اشتغال به عالم ماده و حواس ظاهری کناره بگیرد، صور عقلی با وجود و ظهوری قویتر نزد او حاضر خواهد شد. اگر انسان قوه عقلی خود را قویتر و اشتغال به امور دنیوی را کمتر کند، متناسب، مشاهدات عینیش قویتر از مشاهدات ذهنی خواهد شد.^{۴۴}

ملاصدرا با همین مبنا مسئله معراج پیامبر و سایر اوقاتی که آخرت نزد پیامبر مشهود میشد را توجیه و تبیین میکند. او معتقد است هرگاه عقل منفعل انسان در اثر سیر تکاملی به عقل بالفعل تبدیل شود، قادر خواهد بود ذوات عقلی مجرد را هرگونه که خواست، نزد خود حاضر کند. در این مسیر، مادامیکه انسان اشتغال به امور بدنی دارد و قوای حسی خود را بکار میگیرد، مشاهده بصورت ذهنی است ولی در صورتی که از اشتغال به امور بدنی فارغ شود، میتواند ذوات مجرد را بصورت عینی مشاهده کند. کیفیت معراج و مشاهده امور اخروی از سوی پیامبر در دنیا بر همین مبنا استوار است.^{۴۵}

نسبی بودن زمان، وجه اشتراک دنیا و آخرت
مقیاسهای محاسبه زمان در آخرت قابل تطبیق با مقیاسهای دنیوی نیست و لحاظ نکردن این عدم تطابق، منشأ خطا در محاسبات زمانی در عالم غیر مادی میشود. این خطا است که امور عالم فوق ماده، از جمله زمان را بر اساس مقیاسهای مادی

اندازه گیری کنیم. از منظر حکمت متعالیه، زمان با نظر به پویایی جوهری صورتهای طبیعی، عبارتست از: مقدار حرکت جوهری اجسام. بنابراین زمان واقعی جدای از طبیعت اجسام ندارد و بعد چهارم هر جسم – در کنار ابعاد سه گانه طول، عرض و عمق – را تشکیل میدهد.^{۴۶}

این تعریف روشن میکند که زمان امری نسبی است و هر جسمی زمان جوهری مخصوص خود را دارد. معیار سنجش زمان، امر واحدی مثل حرکت دوری فلک نیست، بلکه هر جسم معیار سنجش زمان خود است. این مبنا برای تبیین نسبت زمان در آخرت تا حدی راهگشا است.

در عالم ماده نیز شواهدی وجود دارد که نشان میدهد سرعت و کندی زمان نسبت به مدرک زمان، امری نسبی است. آیت الله طهرانی در اشاره به نمونه هایی از نسبت گذر زمان در دنیا مینویسد: انسانی که بخواب میرود، گذر زمان را بسیار کوتاه و سریع ادراک میکند، یا وقتی انسان مدت طولانی بیهوش میشود، مشاعر او از ادراک زمان باز میماند و طول مدت بیهوشی را بسیار کوتاه احساس میکند. هنگام نزول وحی و همچنین در معراج نیز زمان بسیار سریع میگذرد و انسان هنگام توجه عمیق و متمرکز به چیزی مانند توجه به ذات باری از طریق مناجات، یا هنگام حل یک مسئله علمی، گذر زمان را سریعتر می یابد یا اصلاً درک نمیکند. خواب مغناطیسی، موت اختیاری و طی الارض نیز

۴۴. همو، الحکمة المتعالیة فی الأسفار الأربعة، ج ۹، ص ۲۱۲-۲۱۰.

۴۵. همو، الشواهد الربوبیة فی المناهج السلوکیة، ص ۳۸۴-۳۸۵.

۴۶. همو، رسالة فی الحدوث، ص ۱۲۹.

میتواند نشان دهنده نسبیّت زمان و گذرایی آن باشد. حال اگر پرسش شود که سبب این پدیده چیست، باید گفت بخاطر انصراف توجه فرد از عالم مادی و جلب توجهش به وجهه ملکوتی است که زمان را اینطور درک میکند. شواهدی نیز بر کندی زمان در عالم مادی قابل استناد است. بعنوان مثال، زمان برای شخصی که در حال انتظار کشیدن است، یا عاشقی که در فراق معشوق بسر میبرد، یا مادری که در انتظار فرزند گم شده خویش است، یا شخصی که در زندان است، بسیار کند میگذرد. سبب این پدیده توجه به وجهه ملکوتی است.^{۴۷}

رابطه تجرد نفس با ادراک گذر زمان (تأثیر میزان تجرد نفس بر ادراک زمان)

بر اساس مبانی صدرالمتألهین، حصول تجرد برای انسان در طی حیات دنیوی، امری تدریجی است. نفس انسان در اثر حرکت جوهری تدریجاً از عالم جسم و ماده بسمت عالم تجرد ارتقایی یابد و هر چه بر شدت تجردش افزوده میشود، به ثبات و عدم تدریج نزدیک میگردد تا هنگامیکه به بینهایت مرحله تجرد میرسد، در این هنگام تدریج و تجدد و تغییر برای او مفهومی نخواهد داشت. چنین نفسی بر عالم جسم، حرکت و زمان احاطه پیدا میکند، امور ثابت را ادراک مینماید و در عالم ثابتات مینگردد. برعکس، اگر نفس انسان در سیر ترقی خود به مرحله تجرد نرسد فقط امور متغیر و متجدد را ادراک میکند و زمان و حرکت برایش محسوس و ملموس خواهد بود.

باید توجه داشت که چون حصول تجرد امری متدرج و مشکک است، انسان تا هنگامیکه به مرتبه نهایی تجرد نرسیده باشد، زمان را ادراک میکند ولی

نحوه درک او متناسب با میزان تجردش خواهد بود. انسان بسته به مرتبه و شدت تجرد خود زمان را زودگذر و سریع الزوال درک میکند و در مقابل، اگر توجه او به عالم کثرت و جهان مادی بیشتر باشد، مرور زمان و کندی آن (حتی گذر ثانیه‌ها) را بخوبی ادراک مینماید.^{۴۸}

برخی معتقدند هر چه خلوص انسان بیشتر باشد و بتواند خود را تزکیه کند و به مقام تجرد مطلق نزدیکتر شود، مدت گذران زمان برای او کمتر خواهد بود و هر چه استکبار و فرورفتگی در مادیات در او بیشتر باشد، از مقام تجرد دورتر شده و گذران زمان برای او بیشتر قابل درک میشود.

با توجه به اینکه مردم در روز قیامت بر حسب اعتقادات و رسوخ ملکات نفسانی و صفاتی که کسب میکنند درجات مختلفی دارند، مرور زمان برای آنها متنوع و مختلف میشود. از طرف دیگر، چون انسان دارای دو جنبه ملکوتی و ملکوتی است، هر چه به وجهه ملکوتی خود نزدیکتر شود، تجرد نفس ناطقه‌اش ظهور بیشتری پیدا خواهد کرد و از عالم کثرات و حرکات و زمانیات دورتر شده و گذر زمان برای او سریعتر خواهد بود و فوق زمان را نیز صریحتر درک میکند. اما چنانچه وجهه ملکوتی و ظاهری انسان تقویت شود، تجرد نفس ناطقه او کمتر ظهور می‌یابد و بیشتر گرفتار افکار و اوهام و کثرات خواهد بود و گذر زمان و امر زمانی را کندتر درک میکند. به همین جهت است که توقف در روز قیامت بسیار طولانی است و پرسش و حساب بکندی صورت خواهد گرفت.^{۴۹}

۴۷. طهرانی، معادشناسی، ج ۲، ص ۲۶۰-۲۵۶.

۴۸. ملاصدرا، تفسیر القرآن الکریم، ج ۸، ص ۶۰.

۴۹. طهرانی، معادشناسی، ج ۸، ص ۲۶۷ با اندکی تصرف.

تحلیل فلسفی زمان در آخرت بر اساس ویژگیهای عالم آخرت

با توجه به مطالبی که درباره ویژگیهای عالم آخرت در مقایسه با دنیا بیان شد، با اعتقاد به جسمانی بودن معاد که هم از آیات و روایات برداشت میشود و هم در فلسفه ملاصدرا به اثبات رسیده، میتوان میان این ویژگیها تصالیحی برقرار نمود. نمیتوان معاد را جسمانی دانست (گرچه با ویژگیهای آخرتی و متناسب با آخرت) ولی ادعا کرد که چون آن عالم، عالم تجرد است، زمان (و مکان) در آن هیچ معنا و مفهومی ندارد و تمامی آیات و روایاتی که در آنها بنحوی بر زمان (یا مکان) در عالم آخرت اشاره شده را بر معانی کاملاً مجازی تأویل و تفسیر نمود. نمیتوان گفت چون زمان نحوه وجود مادی دنیوی است و در عالم آخرت این قسم از ماده وجود ندارد، پس زمان در آخرت معنا و مصداقی ندارد، و از طرف دیگر به معاد جسمانی باور داشت و عالم آخرت را دارای صور متکثر و اجرام و هیئات دانست.

درست است که زمان در این عالم نحوه وجود مادی عنصری است، اما معیار وجود زمان، جسمانیت است و چون نحوه‌ی از جسمانیت در آخرت وجود دارد، باید نحوه‌ی از زمان که متناسب با عالم آخرت است، نیز در آن عالم موجود باشد. ممکن است برخی اشکال کنند که زمان و مکان از عوارض مرتبه مادی وجود و لازمه حیات دنیوی است و در واقع به نقصان این مرتبه برمیگردد. پس با اینکه معاد جسمانی است، چون نواقص مرتبه مادون در مرتبه مافوق وجود ندارد، زمان و مکان در عالم آخرت وجود نخواهد داشت. بعبارت دیگر، جسمانیت دارای مراتبی است که مراتب عالی فاقد

نواقص مراتب مادون است و فقط کمالات مرتبه مادون بنحو اعلی در آن وجود دارد.

برای پاسخ به این اشکال، دو نکته را باید مورد توجه قرار داد:

نخست آنکه، جسمانیت، مرتبه ناقص و ضعیف وجود است. حال اگر قرار باشد همه خصوصیات این دنیایی جسم ناشی از نقصان وجودی آن محسوب شود و این قاعده که نواقص مرتبه مادون در مرتبه مافوق وجود ندارد محفوظ بماند، باید اذعان کرد که کمال نهایی هر موجود، مجرد شدن خواهد بود و معاد صرفاً منحصر در معاد روحانی میشود.

توضیح آنکه در نظام صدرایی، جسم عنصری که ضعیفترین مرتبه وجود جسمانی است، دارای ماده و عوارض و لوازم مادی است. جسم برزخی که مرتبه بالاتر وجود جسمانی است، لوازم ماده را دارد ولی فاقد ماده است. روشن است که مطابق این روند، جسم اخروی که در مرتبه بعدی قرار میگیرد، برای رفع نقصان مرتبه قبل، باید فاقد ماده و لوازم ماده باشد. اما باید توجه داشت که اگر هم ماده و هم لوازم مادی حذف شود اساساً جسمی نخواهیم داشت و با موجود مجرد روبرو هستیم.

دوم اینکه، اگر گفته شود ویژگیهای همچون شکل، صورت، جرم و هیئت، در آخرت برای جسم محفوظ است ولی زمان (و مکان) محفوظ نیست، چون زمان و مکان مربوط به مرتبه ناقص جسم است، دلیل چنین ترجیحی باید روشن گردد. ویژگیهایی همچون جرم، شکل، مقدار و صور متکثر، از حیث وابستگی به جسم با زمان (یا مکان) فرق خاصی ندارند بلکه اساساً زمان (یا مکان) از همین ویژگیها انتزاع میشود. اگر این

■ ملاصدرا معتقد است زمان هر شیء مادی، بیانگر نحوه وجود آن است و از اطوار وجودش بشمار میرود. پس اصل، وجود است و زمان اصالت ندارد، لذا میتواند در مرتبه‌یی از وجود بنحوی و در مرتبه دیگر بنحو دیگر باشد، یا اساساً در یک مرتبه از وجود، زمان مطرح نباشد.

ویژگیها در عالم آخرت بنحوی متناسب با آن عالم هستند، چرا زمان (یا مکان) نتواند آنجا و بنحو متناسب با آن عالم، متحقق شود؟

مدعا این نیست که در عالم مجردات، زمان دنیوی اثبات شود، بلکه مدعا اینست که چون نحوی از جسمانیت در آخرت اثبات شده است، باید زمانی متناسب با همان جسمانیت برای آخرت لحاظ شود. این مهم وقتی قابل توجیه است که امور زیر (که از درون ویژگیهای آخرت و مقایسه آن با دنیا استخراج شده) مورد توجه قرارگیرد:

اول، با استناد به دو اصل اشتداد و تشکیک در وجود، حصول تجرد امری متدرج و ذومراتب است. دوم، انسان در آخرت فقط دارای بعد مجرد نیست بلکه جسمانیتی متناسب با آن عالم نیز دارد. بر این اساس، انسان در حیات اخروی، علاوه بر نفس مجرد، دارای بدن جسمانی اخروی است و میان جسم دنیوی و اخروی نوعی رابطه عینیت برقرار است.

سوم، انسان دارای دو وجه ملکی و ملکوتی و دارای دو بعد جسمانی و روحانی است. غلبه یافتن هر یک از این دو وجه باعث میشود درک انسان از

سرعت و کندگی گذر زمان متفاوت باشد. اگر وجه جسمانی ملکی بر فرد غالب باشد، درک زمان در حیات اخروی برای او طولانیتر و گذر آن کندتر خواهد بود؛ به همین سبب است که مدت زمان توقف گناهکاران در مواقف قیامت و در جهنم نزد خود آنها طولانی مینماید. در مقابل، اگر وجه ملکوتی بر انسان غالب باشد، گذر زمان برایش بسیار سریعتر خواهد بود، چنانکه مطابق نقل روایات، گذرازیل صراط برای چنین فردی بسرعت برق است و توقفش در قیامت باندازه یک نماز چهار رکعتی طول میکشد؛ درحالیکه همین زمان برای دسته اول، پنجاه هزار سال است.

معیار درک گذر زمان در قیامت، اموری نظیر مرتبه تجرد فرد و میزان غلبه و جهة ملکی یا ملکوتی بر نفس او (در طی حیات دنیوی) است، نه اموری مانند حرکت اجرام آسمانی (نظیر ماه و خورشید) که در دنیای مادی جزو معیارهای سنجش زمان هستند. به دیگر سخن، ملاک محاسبه زمان اخروی خود فرد است و بر این اساس، در آن حیات حتی برای یک فرد واحد، ادراک زمان مختلف و دارای مراتبی از سرعت و کندگی است.

بعنوان مثال، درک او از زمان هنگامیکه در حال بهره‌مندی از لذات جسمانی اخروی است با هنگامیکه از مواهب روحانی بهره‌مند میشود، یا طول مدت ادراک لذت جسمانی افعال مختلف، برای او متفاوت خواهد بود و این امر تابع شدت غلبه جنبه ملکوتی در هر فعل خیر صادر شده از او در دنیاست که در عالم آخرت در بهشت جسمانی، تجسم می‌یابد.

طول مدت درک عذاب و الم در جهنم نیز به همین نحو قابل تفسیر است. بر این اساس، طول

مدت عذاب و الم فعل ناصحیحی که وجههٔ ملکی شدیدتر و غلیظتری داشته، بیشتر و عذاب عمل ناصحیحی که جنبهٔ ملکی ضعیفتری داشته، زودگذرتر خواهد بود.

چهارم، آنچه آمد روشن میکند که زمان در آخرت امری نسبی است، به این معنا که در آن واحد، دو درک از گذر زمان برای دو فرد وجود دارد. برای یک نفر زمان سریع و با طول مدتی اندک سپری میشود و برای دیگری کند و طولانی. همچنین ممکن است درک گذر زمان از وجهی برای یک شخص کند و از وجه دیگر برای همان شخص، تند و سریع باشد.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

موجود مادی جسمانی دارای لوازم و آثاری است نظیر زمان، که انفکاک آنها از جسم بمعنای غیر جسم شدن آن و تبدیلیش به امر مجرد است. در نظام فلسفی ملاصدرا از یکسو با توجه به تشکیک و اشتداد در وجود و حرکت جوهری، تطور وجود جسمانی به وجود مجرد امری پذیرفته شده است و نفس که جسمانیة الحدوث و روحانیة البقا است، از مصادیق بارز چنین تطوری بشمار میرود. از سوی دیگر، همین اصول راه را برای ذومراتب شمردن وجود جسمانی و لوازم مربوط باز میکند و اجازه میدهد معاد جسمانی و حضور جسم اخروی در کنار نفس، در حیات پس از مرگ امری مستدل شمرده شود.

از دیدگاه صدرالمتألهین، با توجه به اصول مذکور، دو نوع تغییر در جسم مشهود است: تبدیل شدن به امر مجرد و تبدیل شدن جسم دنیوی به جسم برزخی و جسم اخروی. در حالت اول پس

از تغییر و تحولات جوهری با موجودی مجرد و برو هستیم و دیگر جسمی نداریم تا بحث از آثار و لوازم جسم مطرح باشد. اما در حالت دوم، در عوالم پس از عالم ماده نیز همچنان با موجودی جسمانی مواجهیم و بنظر میرسد اگر قرار است جسم بودن این جسم باقی بماند و تنها مرتبهٔ جسمانی تغییر پیدا کند، باید برخی لوازم جسمانیت در همهٔ مراتب وجودی آن محفوظ نگه داشته شود.

البته جسم و لوازم آن در هر یک از عوالم و مراتب وجود متناسب با عالم و مرتبه مورد نظر ظاهر خواهد شد ولی نمیتوان با ورود آن به مرتبهٔ جدید، تمام ویژگیهای جسم و جسمانیت را منتفی دانست و هنوز هم به اعادهٔ جسم - نه تبدیل شدن آن به امر مجرد - معتقد ماند.

با توجه به برخی آیات و روایات و با ملاحظهٔ آراء و دیدگاههای ملاصدرا، بنظر میرسد اموری همچون زمانمندی، مکانمندی و داشتن هیئت و صورت، از جمله لوازم جسمانیت است که همواره با جسم باقی است، اما در عوالم مختلف بنحو متفاوت بروز میکند. زمانمندی که محور این مقاله است، بر اساس مبانی و دلایل و شواهد ارائه شده، در عالم پس از مرگ نیز وجود دارد. حرکت در جوهر جسم، در کنار اشتداد در مراتب وجودی آن، زمینهٔ تحقق جسم برزخی و اخروی را فراهم میکند و باور به معاد جسمانی بر ضرورت آن تأکید مینماید. بدین ترتیب جسمی مناسب عالم آخرت فراهم می‌آید که زمان اخروی بعنوان لازمهٔ آن، ملحوظ است.

چگونگی گذر این نحوه از زمان و میزان ادراک سرعت یا کندی آن برای هر فرد در حیات آن جهانی، رابطهٔ مستقیم با اموری در حیات دنیوی

او دارد؛ نظیر شدت و ضعف تجرد یافتن او یا غالب و مغلوب شدن جنبهٔ ملکی و ملکوتی بر وجود وی. هر چه جنبهٔ ملکوتی بر حیات ملکی فرد غالب شود و به مراتب بالاتری از تجرد نائل گردد، ادراک گذر زمان بر امور ناگوار برای او کوتاهتر و سرعت گذر امور مطلوب اخروی کندتر خواهد بود، و در وضعیت عکس، زمان ادراک الم و رنج طولانی و گذر زمان در ناخوشیها کندتر خواهد شد.

منابع

قرآن کریم.

ابراهیمی دینانی، غلامحسین، قواعد کلی فلسفی در فلسفه اسلامی، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۹۳.

-----، معاد، تهران، حکمت، ۱۳۹۱.

ابن سینا، الاشارات والتنبیها، قم، مطبوعات دینی، ۱۳۸۴.

-----، الهیات از کتاب شفا، ترجمهٔ ابراهیم دادجو، تهران، امیرکبیر، ۱۳۹۰.

بحرانی، سیدهاشم، البرهان فی تفسیر القرآن، قم، دارالمجتبی، ۱۴۲۸ق.

سبزواری، ملاهادی، تعلیقه بر الشواهد الربویة، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۶.

شجاعی، محمد، معاد یا بازگشت بسوی خدا، تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۷۱.

طباطبایی، محمدحسین، نهاية الحکمة، قم، اعلمی، ۱۴۲۴ق.

طبرسی، ابی علی، مجمع البیان، تهران، ناصرخسرو، ۱۴۰۶ق.

طوسی، محمدبن حسن، التبیان، قم، مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۰۹ق.

طهرانی، سیدمحمدحسین، معادشناسی، تهران، حکمت،

۱۴۰۶ق.

عروسی الحویزی، علی بن جمعه، تفسیر نورالثقلین، بیروت، دار الکتب العلمیة، ۱۴۲۳ق.

ملاصدرا، اسرار الآیات و انوار البینات، تصحیح و تحقیق محمدعلی جاودان، تهران، بنیاد حکمت اسلامی صدرا، ۱۳۸۹.

-----، الحکمة المتعالیة فی الأسفار الأربعة، ج ۳، تصحیح و تحقیق مقصود محمدی، تهران، بنیاد حکمت اسلامی صدرا، ۱۳۸۲.

-----، الحکمة المتعالیة فی الاسفار الأربعة، ج ۹، تصحیح و تحقیق رضا اکبریان، تهران، بنیاد حکمت اسلامی صدرا، ۱۳۸۲.

-----، الشواهد الربویة فی المناهج السلوکیة، تصحیح و تحقیق مصطفی محقق داماد، تهران بنیاد حکمت اسلامی صدرا، ۱۳۸۲.

-----، العرشية، تصحیح و تحقیق مقصود محمدی، در: مجموعه رسائل فلسفی صدرالمتألهین، ج ۴، تهران، بنیاد حکمت اسلامی صدرا، ۱۳۸۹.

-----، المبدأ و المعاد، تصحیح و تحقیق محمد ذبیحی و جعفر شاه نظری، تهران، بنیاد حکمت اسلامی صدرا، ۱۳۸۱.

-----، تفسیر القرآن الکریم، ج ۸، تصحیح و تحقیق محمدهادی معرفت و سیدصدرالدین طاهری، تهران، بنیاد حکمت اسلامی صدرا، ۱۳۸۹.

-----، شواهد الربویة، تصحیح و تحقیق حامد ناجی اصفهانی، در مجموعه رسائل فلسفی صدرالمتألهین، ج ۱، تهران، بنیاد حکمت اسلامی صدرا، ۱۳۸۹.

-----، رسالة فی الحدوث، تصحیح و تحقیق سیدحسین موسویان، تهران، بنیاد حکمت اسلامی صدرا، ۱۳۷۸.

-----، مفاتیح الغیب، تصحیح و تحقیق نجفقلی حبیبی، تهران، بنیاد حکمت اسلامی صدرا، ۱۳۸۶.